

توسط: کرامت موللی

پنجشنبه 16 آبان 1387

ساعت: 18:31

آقای علاقه مند عزیز

شما می توانید اکثر قریب به اتفاق سؤالاتی را که در اینجا مطرح می کنید در کتابی که سال قبل راجع به رؤیا و رابطه روانکاوی و علوم عصبی نوشته ام بیابید ولی افسوس که بزبان فرانسوی آشنائی ندارید. صبور باشید شاید روزی ترجمه ای از آن به انگلیسی منتشر شود. نظریه اصلی من در این کتاب متکی بر مطالعه رانش و ارتباط آن با خواب از یک سو و رؤیا از سوی دیگر است.

در اولین فصل این کتاب مسأله **Sachvorstellungen** و

**Wortvorstellungen** را مفصلاً مورد بحث قرار داده ام. اگر روزی فرصت

کردم تفاوت پیچیده آنها را برایتان طی مقاله کوچکی روشن خواهم کرد. ولی فعلاً بدانید که این دو مفهوم را که فروید از جان استوارت میل و برنتانو گرفته است در تفکر لکان هیچگونه کارائی ندارد. بااحترام

وب سایت ایمیل

توسط: تقویان

جمعه 17 آبان 1387 ساعت:

6:36

با سلام

آیا درست است که لکان برای تصطلاح فرویدی "wunsch"، از برابر "آرزومندی" استفاده کرده است؟

با تشکر

وب سایت ایمیل

توسط: علاقه مند

جمعه 17 آبان 1387 ساعت:

16:57

سلام استاد ارجمند:

با سپاس فراوان از پاسخهایتان. فکر می کنم در کنار صبوری بایستی یادگیری

زبان فرانسه را نیز آغاز کنم تا بیشتر بتوانم از ان فرهنگ غنی و جنابعالی  
بیاموزم.

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
جمعه 17 آبان 1387 ساعت:  
19:59

آقای تقویان عزیز،

درست است که لکان اصطلاح آرزومندی را نخست از فروید گرفته است ولی  
آن را تماماً تغییر داده و چندان متحول ساخته که امروزه کاملاً از آن متمایز شده  
است چندان که مترجمین آلمانی لکان برای برگرداندن آن با آلمانی دچار  
اشکال شده اند. بااحترام

وب سایت ایمیل

توسط: سهند  
یکشنبه 19 آبان 1387 ساعت:  
13:1

سلام استاد موللی: دیشب که برای شنیدن مصاحبه های جدیدتان به بخش  
مصاحبه ها رجوع کردم متوجه شدم که بجای فایل صوتی "فرقه ها" فایل "  
دایناسور ها" و بجای فایل نوشتاری "پس از یک قرن روانکاوی" فایل "یک  
قرن روانکاوی" و بجای فایل "یک قرن روانکاوی" فایل "پدیدار پرنس دایانا"  
گذاشته شده است. احتمالاً در تغییر و تحولات اخیر سایت تان این بهم  
خوردگی اتفاق افتاده است برای آنکه قبلاً تمامی فایل ها درست کار می کردند.  
از توجه تان متشکرم.

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
یکشنبه 19 آبان 1387 ساعت:  
23:28

آقای سهند عزیز،

از توجه و لطفتان بسیار متشکرم. در اولین فرصت به تصحیح مواردی که ذکر  
کرده اید خواهم پرداخت. بهمت کسانی چون شماست که این سایت همچنان  
برقرار است. موفق باشید.

[وب سایت ایمیل](#)

☐ سه شنبه 21 آبان 1387  
توسط: مروتی  
ساعت: 20:22

آقای دکتر سلام .

مقاله ای در باب لاکان برایتان فرستادم. نمی دانم به دستتان رسیده است یا نه؟

[وب سایت ایمیل](#)

☐ سه شنبه 21 آبان 1387  
توسط: کرامت موللی  
ساعت: 21:43

آقای مروتی عزیز

مقاله هایتان را در قسمت «مقالات شما» گذاشته ام. با احترام

[وب سایت ایمیل](#)

☐ چهارشنبه 22 آبان 1387  
توسط: مروتی  
ساعت: 16:5

آقای دکتر موللی عزیز

با همین مقاله ها یک مقاله ی مستقل هم راجع به لاکان فرستاده ام که ظاهرا به دستتان نرسیده. مجددا ارسال می کنم. با تشکر از توجهاتتان و وقتی که می گذارید.

[وب سایت ایمیل](#)

☐ پنجشنبه 30 آبان 1387  
توسط: علاقه مند  
ساعت: 17:21

سلام آقای دکتر موللی:

آیا رانش مرگ، در دیدگاه لکانی، بر خلاف نظر فروید، مفهومی غیر بیولوژیکی است؟ آیا مفهوم تعدد مرگ در نظر لکان را بایستی زبان‌شناسانه فهمید؟ در انصورت در پدیده خودکشی چنانکه در ارتباط با ساحت خیالین

و مرتبط با خودشیفتگی تبیین می شود، آیا می توان کارگزاری لغت "مرگ" را در اینجا، با لغت "دیک" در مثال مرد موش اذین که ناگهان تصمیم به لاغر شدن می گیرد (چرا که او در رقابت با "دیک" بوده است) در نظر گرفت؟

اصطلاح character armor که در عرف لکانی برای من نفسانی متفاخر استفاده شده است،، آیا با نظر ویلهلم رایش که از آن مفهومی جسمانی و اناتومیکی نیز ارائه داده است، همخوانی دارد؟

وب سایت ایمیل

پنجشنبه 30 آبان 1387

توسط: علاقه مند

ساعت: 17:31

رابطه تمتع با اضطراب چیست؟ آیا در جلسات روانکاوی با تزلزل تمتع در فرد همزمان او اضطراب را تجربه نمی کند؟

با تشکر فراوان

وب سایت ایمیل

جمعه 1 آذر 1387 ساعت:

توسط: مجتبی پردل

9:9

My dear mentor

My warmest greetings to you

There is a question which I would appreciate it if you helped me find whose answer. Is it a right statement that human cognitive faculties are impossible without language, or, to put it another way, is man unable to perceive the world without language and its morphological, syntactic, etc. categories? I posed this question because when look at myself in introspection, I find it quite impossible to think or even to pay attention to the world around me without words and, more importantly, without grammatical relations. As far as I know, according to Saussure's structuralism, it is the structure of language which determines the way we perceive the world, and cross-linguistic syntactic differences too support this view to a great degree. On the

other hand, doubts arise when I consider the state of, for example, those who are borne hearing-impaired or dumb. I look forward to your guide. Many thanks

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
شنبه 2 آذر 1387 ساعت:  
17:47  
آقای علاقه مند عزیز،

وجه مشترک پرسش های شما در واقع رابطه میان جسم و نفس است، امری که از زمان دکارت و ثنویت ناآشتی پذیر او میان ذات عاقله *res cogitans* و ذات ممتد *res extensa* همچنان فیلسوفان و دانشمندان را بخود مشغول داشته است بنحوی که امروزه طرح این سؤال نمی تواند در فضائی سالم و غیر مشوب از تفکر دکارت صورت پذیرد. امروزه همین شکاف و ثنویت است که در علوم عصبی *neurosciences* و علوم استعلامی *cognitivists* رایج است با این تفاوت (اگر بتوان از تفاوت صحبت کرد) که آنها بجای ذات عاقله دکارت مغز و سیستم عصبی را گذاشته اند و بدین خوش کرده اند که مسأله را حل کرده اند.

تئوری فروید در باب رانش *(Trieb)(drive)* بمنظور حل این شکاف که بنای کل علوم جدید را تشکیل داده است بود. این مسأله را من در یکی از تبادل نظریات قبلی توضیح داده ام.

و اما لکان، رابطه نفس و جسم پیوسته مورد توجه او بوده است و توپولوژی *topology* او کوششی است اساسی در این راه. بنظر من باید حق را باید به لکان داد که با دقت و جدیت تمام پیوسته برآن بود تا با احتیاط کامل باچنین مسأله پیچیده ای مواجه شود و عناصر اولیه را در جهت یافتن شکلی مناسب برای طرح پرسشی اینچنین اساسی فراهم آورد. چراکه آنچه مهم تر است طرح این پرسش نیست بلکه نحوه طرح آنست، نحوه ای که بتواند ما را از افتادن در دام اشتباهات متافیزیکی که تاکنون وجود داشته است محفوظ نگاهدارد.

بنظر من اگر مسأله رابطه جان و تن را از طریق مفهومی اساسی چون برزخ و انقسام ماهوی انسان مطرح کنیم به احتمالی قوی می توان تصور کرد که در طی طریقی مناسب برای تقرب یافتن راستین به این پرسش قرار خواهیم

داشت. بااحترام

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
شنبه 2 آذر 1387 ساعت: 18:9

Dear Mr. Pordel,  
The essence of human speech is not in his ability to speak. It is in his ability to hear. It means that only human subjects have the capability to open (or close) themselves to the Other. Look at the frequency of ear diseases among children whose extreme form one finds unfortunately in autistic kids. The people born with speech problems could be more or less be easily integrated in the society and even pursue their studies until a high level. But people born with auditive pathologies could hardly access to an acceptable level of social integration. The question of language and its relation to the thinking is complex. Psychoanalysis has just began to put the question in the right way, but we are so far to find the adequate answer to it. sincerely yours

وب سایت ایمیل

توسط: تقویان  
پنجشنبه 14 آذر 1387  
ساعت: 10:1

با سلام

آقای دکتر آیا مقاله ای را که برایتان ارسال کردم به دست شما رسیده است ؟  
با تشکر

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
پنجشنبه 14 آذر 1387  
ساعت: 20:52

آقای تقویان عزیز

بله مقاله شما رسید ولی حاوی اشکالاتی است که متأسفانه با وقت تنگی که

دارم نمی توانم به آن رسیدگی کنم. همانطور که خودتان نوشته بودید این مقاله را باید کلاً بازبینی کنید چه از نظر اصطلاحات چه از نظر محتوی. برای اصطلاحات به «مبانی روانکاوی» رجوع کنید و یا به «اصطلاحات روانکاوی» در همین سایت. از ساختن کلمات جدید پرهیزید و بیشتر به سابقه کلمات در زبان فنی انگلیسی و همچنین سابقه کلمات فارسی توجه داشته باشید بخصوص در دام زیبایی نارسیستی کلمات فارسی نیافتید. بطور مثال در مورد اصطلاحات فنی شما لغتی چون Intentionality را به قصدیت برگردانیده اید! این اصطلاحی است فلسفی که فرانتس برنتانو براساس یکی از مقولات عشر منطق ارسطو (یعنی اضافه) عنوان کرده و هیچ ربطی به نیت و قصد ندارد بلکه به این معنی است که نفس آدمی مؤسس بر اساسی خاص است که بنابراین فکر کردن همواره فکر کردن «به» چیزی است، احساس کردن ماهیه احساس «به» چیزی است. . همین اصطلاح فلسفی است که در تفکر هیدگر شکلی بنیادی تر گرفته بصورت «مبالات به وجود» die Sorge در میآید. نکته دیگر: خود را درمبحث آگاهی ( که در روانکاوی چیزی جز غفلت از ذات برزخی انسان نیست) گم نکنید. تجزیه و تحلیلات مربوط به شاعر مورد نظر شما نیز احتیاج به تعمیق بسیاری دارد تا حالتی ساده اندیشانه بخود نگیرد. بااحترام

وب سایت [ایمیل](#)

پنجشنبه 14 آذر 1387

توسط: کرامت موللی

ساعت: 21:59

دعوت به مطالعه مقاله ای جدید از مجتبی پردل در باره همجنس دوستی در بخش «مقالات شما»

وب سایت ایمیل

جمعه 15 آذر 1387 ساعت:

توسط: تقویان

17:35

باتشکر بسیار از شما استاد عزیز

درباره اصطلاحی که فرموده اید باید بگویم من آن را وضع نکردم. این

اصطلاح چنان که می دانید از آرا برنتانو و سپس هوسرل بر گرفته شده است. در در ایران سه برابر برای آن وجود دارد که عبارتند از "روی آوری", "التفات", "قصیدیت". من بر اساس استدلالاتی که آقای دکتر عبدالکریم رشیدیان در سخنرانی خود در ترجیح برابر "قصیدیت" بر برابر های دیگر ایراد کردند, دست به این انتخاب زدم. با وجود این که سرتان شلوغ است اما از شما تقاضا دارم مرا از نظرات خود بهرمنند سازید. منتظر نظرات با ارزش شما هستم  
با تشکر همیشگی

وب سایت ایمیل

چهارشنبه 20 آذر 1387

توسط: مجتبی پردل

ساعت: 15:58

My dear mentor

*Where dose Lacan stand in the controversy over the relationship of language and thinking? Am I right in assuming that Lacan's emphasis on language is a kind of disguised idealism? Many thanks*

وب سایت ایمیل

پنجشنبه 21 آذر 1387

توسط: سهیل

ساعت: 5:49

Dear Mojtaba: Due to the fact that you have raised the question regarding relation between language and thought is indicator of your interest on this issue. Dr. Movallali had replied to the first one--- which I totally agree with him--- and here I am going to suggest couple books dealing with this issue. --- Offcourse, I have no doubt that there are may be hundreds other books dedicated to this matter but I had access only to few of them---

1: The Mathematician's Mind by great French mathematician Jacques Hadamard published by Princeton University. This is a small book--- just 140 pages--- but considered as classic in this matter. In this book Hadamard had interviewed couple great thinkers such as Roman

Jacobson, Claude Levi Strauss, Norbert Wiener, Einstein and others. He quotes Einstein saying that in my thought process words has no place, and he continues saying that he thinks in images. This book emphasizes the role of unconscious in though process.

وب سایت ایمیل

پنجشنبه 21 آذر 1387



ساعت: 5:50

توسط: سهیل

2: Patterns in the Mind, by theoretical psychologist and Linguistics Ray Jackendoff--- this book is also a small book – 246 pages--- Jackendoff says” The advantage of language is perhaps most often said to confer on us that it enables us to think. While there is a great deal of truth to this idea--- language certainly is invaluable in helping us sharpen certain kinds of thoughts—we should be a little cautious about endorsing it entirely. For one thing, we probably don’t want to deny the capability of thought to at least some animals. For another, not all human thought requires language. Did it take thought for Beethoven and Picasso to produce their masterpieces? (I think so) Did it take language? (I don’t think so)

3: Figurative Language and Thought by Albert N. Kats, Cristina Cacciari, Raymond w. Gibbs, Jr and Mark Turner by Oxford University press

On page 17 they say” If, as the previous review indicates, there is not convincing evidence that language determines thought, is there evidence for a weaken version, namely, that language can facilitate or inhibit thought? The evidence here is somewhat more positive.

وب سایت ایمیل

پنجشنبه 21 آذر 1387



ساعت: 5:50

توسط: سهیل

4: Poetry, Language, and Thought by Martin Heidegger---  
I have not read it yet ---

5: Imagery in Scientific Thought by Historian of Science Arthur I Miller. In page 221 he says” Mental imagery in auditory, sensual and visual modes has played a central role in creative thought. Wolfgang Amadeus Mozart’s auditory imagery permitted him to hear a new symphony ”tout ensemble”. The great French mathematician and philosopher Henri Poincare’s ” sensual imagery” led him to sense a mathematical proof in visual imagery, and words were “ sought after laboriously only in secondary stage” (Hadamard. 1954\_ Note: This quotation is from the book that I introduce earlier.

He goes on saying that” Einstein’s visual imagery was fundamental to his framing of the special and general theories of relativity

I hope, instead of being helpful clarifying your question, I did not make the matter worse.

وب سایت ایمیل

پنجشنبه 21 آذر 1387



ساعت: 22:35

توسط: کرامت موللی

Dear Mr; Pordel,

First of all I would like to thank our freind SAHAND for his learned references.

As to your question about Lacan's relation to language, I have to say that if by idealism you mean nominalism there could be almost no objection. Lacan's thought has been qualified by several critics as close to nominalistic philosophers such as Bentham. But I think the matter is much more complicated in Lacan whose REAL is one of the essential points going beyond such nominalism. Cordially yours

وب سایت [ایمیل](#)

جمعه 22 آذر 1387 ساعت:



16:54

توسط: محمد امین مروتی

دکتر موللی عزیز.

متأسفانه مقالات دکتر حسن مکارمی به صورت ناتمام و ناقص در سایت قرار گرفته و در پایان هر صفحه یک یا چند سطر افتاده است. امیدوارم اصلاح فرمایید. ضمناً مقاله ی جدید آقای پردل هم "save" نمی شود.

[وب سایت ایمیل](#)

توسط: کرامت موللی  
جمعه 22 آذر 1387 ساعت:  
23:52

آقای مروتی عزیز

متأسفانه اشکال از آقایان مکارمی و پردل است که مقالات خود را به این شکل فرستاده اند بطوری که اصلاح نقایص آنها برایم امکان پذیر نیست. بهمین جهت است که من پیوسته از کسانی که مقاله می فرستند می خواهم که آن را از طریق Word بفرستند. از توجه شما متشکرم

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
شنبه 23 آذر 1387 ساعت:  
14:23

نظر همه دوستان را به دو مقاله جدید از آقای مروتی در بخش «مقالات شما» جلب می کنم: میراث فروید و میراث نیچه

وب سایت ایمیل

توسط: سهند  
جمعه 13 دی 1387 ساعت:  
0:4

فرارسیدن سال نو--- حتما که نباید مسیحی باشیم--- را به استاد عالیقدر دکتر موللی و دوستانیکه شانس آشنایی شان را از طریق این سایت پیدا کرده ام و تمامی مراجعه کننده گان به این وزین ترین سایت ایرانی تبریک گفته و سالی نو همراه با موفقیت و سلامتی و سرفرازی را برای همه شان ارزو مندم. به امید اینکه که سال پیش رویمان تهی از خشونت و وحشی گری باشد که بخاطر تنبلی ذهنی افراد و حفظ منافع کوتاه مدت حکمرانان پیام ها حاشیه ای موسی و عیسی و محمد از متن جداشده و بخاطر حفظ منافع گروهی در اقلیت

از آنها سو استفاده میشود.

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
جمعه 13 دی 1387 ساعت: 16:1

دوست عزیز آقای سهند،

از لطف و محبت شما به علاقه مندان این سایت تشکر می کنم و بنوبت خود  
آرزوی موفقیت و سعادت برای شما و خانواده شما در سال جاری دارم.  
بااحترام

وب سایت ایمیل

توسط: مجتبی پردل  
جمعه 20 دی 1387 ساعت: 10:12

Dear Dr. Movallali,  
With my New Year greetings to you  
Can we take Lacan's notions of the Real and the eruption  
of the Real the same as those of the Unconscious and the  
return of the repressed of Freud's? And, as concerning  
Lacan's ideas on psychosis, is it right to assume that  
forclusion of the name of the father coincides with being  
driven wholly by bodily drives? Many thanks

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
یکشنبه 22 دی 1387 ساعت: 21:38

Dear Mr. Pordel  
Thanks for your greetings. I hope you will have an  
excellent and successful new year as well.  
Lacan makes his own the Freudian theory of psychosis  
with some modifications which go beyond Freud's initial  
conception. As far as Freud's conception of psychosis is  
concerned one can confirm that it remains essentially on  
the basis of his theory of neurosis whose essential  
mechanism is the repression. Clinically speaking their  
conceptions (Freud's and Lacan's) on the matter do not

seem so far one from the other. Lacan's conception bears nevertheless great and important consequences which in return change radically our approach to the psychic pathology.

You ask if "we can take Lacan's notions of the Real and the eruption of the Real the same as those of the Unconscious and the return of the repressed of Freud's?" the answer could be affirmative, abstraction done of the consequences I mentioned above. This return of the real is just one of the several aspects of Lacan's Réel that could not be reduced simply to it.

Mere bodily drives are organized consequent to the lack of demand on behalf of the Other; in this regard the answer to your second question is affirmative too. Sincerely yours

وب سایت ایمیل

توسط: قاسم جباری  
چهارشنبه 25 دی 1387  
ساعت: 8:23

سلام آقای دکتر موللی:

حضرتعالی به عنوان یک روانکاو چه پیشنهادی برای فرد معتاد و اطرافیان  
برای خروج از چنین بحران درونی دارید؟ با تشکر

وب سایت ایمیل

توسط vahid:  
چهارشنبه 25 دی 1387  
ساعت: 11:22

با سلام و احترام خدمت استاد ارجمند  
حضرت استاد من مشکل وسواس جبری (مختلط با افسردگی) دارم و در  
مراجعه متعدد به روانکاوان و روانپزشکان نتیجه قطعی نگرفته ام . از جنابعالی  
استدعا دارم بنده را راهنمایی نمایید.

با تشکر

وب سایت ایمیل

توسط: نرگس  
چهارشنبه 25 دی 1387

ساعت: 12:25

عرض سلام خدمت جناب آقای موللی.

می خواهم مطالعه ای در باب لغزش کلامی داشته باشم.

لطفا راهنمایی بفرمایید.

منبع ویانکته هایی را بفرمایید ممنون میشم

وب سایت [ایمیل](#)

پنجشنبه 26 دی 1387



ساعت: 19:9

توسط: فاطمه برائی

L'Espace des femmes-Antoinette Fouque

vous invite à rencontrer,

mardi 20 janvier 2009 à 18h30

Madeleine Chapsal, écrivain

"Méfiez-vous des jeunes filles" (Fayard, 2008)

"Ce que m'a appris Françoise Dolto" (Fayard, 1994)

et

Marie-France Hirigoyen, psychiatre et psychanalyste

"Les nouvelles solitudes" (La Découverte, 2007)

"Femmes sous emprise" (Oh éditions et Pocket, 2005)

qui dialogueront sur le thème

"Le lien des femmes entre elles"

Espace des femmes

Editions - Librairie - Galerie

35 rue Jacob Paris 6ème

01 42 22 60 74 ou 01 42 60 93 76 (Librairie)

www.desfemmes.fr

وب سایت ایمیل

- پنجشنبه 26 دی 1387  
توسط: کرامت موللی  
ساعت: 22:56  
خدمت خانم نرگس

باسلام مراجع لازم را در کوتاه مدت برایتان خواهم فرستاد. فقط برایم بنویسید که غیز از انگلیسی آیا بزبان دیگری هم آشنایی دارید یا نه؟ بااحترام

وب سایت ایمیل

- پنجشنبه 26 دی 1387  
توسط: کرامت موللی  
ساعت: 23:4  
خدمت آقای وحید

متأسفانه درمورد پرسشی که کرده اید پاسخی ندارم. اگر متن سخنرانیم را در مورد درد در بخش انگلیسی *some writings from K.Movallali* بخوانید درانجا سعی کرده ام نشان دهم که عدم رفع عوارض درطی روانکاوی می تواند گاه حاکی از مقاوت در مقابل آن بوده فرد را بطور ناآگاه به حفظ این عوارض وادارد. بااحترام

وب سایت ایمیل

- پنجشنبه 26 دی 1387  
توسط: کرامت موللی  
ساعت: 23:14  
خدمت آقای جباری عزیز

اعتیاد از «سمج» ترین عوارض است که گاه درمقابل هرگونه کوشش درمانی بشدت مقاوت می کند. بطور کلی برای درمان آن علاوه بر روانکاوی میبایستی

به بخش های خاص معتادان رجوع کرد. در این بخش ها علاوه بر داروهائی که بمنظور ترک از مواد مخدره و اجتناب از عوارض فرعی که غالباً با رنج و الم جسمی و روحی فراوانی همراه است روانشناسان با ترتیب دادن جلسات عمومی برای معتادان و همچنین برای همسر یا نزدیکان آنها کمک قابل توجهی به این افراد می کنند. یکی از مشکلات کار البته عدم پشتکار است. در هر حال برای درمان اعتیاد یک روش درمانی واحد کافی نیست و همانطور که گفتم می بایستی چند جانیه عمل کرد. به امید موفقیت

وب سایت ایمیل

توسط: سهند  
جمعه 27 دی 1387 ساعت:  
8:48

با عرض سلام به استاد موللی و همه دوستان: آقای وحید: نمی دانم که در کجا هستید و اینکه ایا به کتاب های انگلیسی دسترسی دارید یا که نه. ولی اگر توانستید کتاب- **Brain Lock, Free Yourself from Obsessive-Compulsive Behavior** نوشته Jeffrey M. Schwartz را مطالعه کنید که تا آنجائیکه من خوانده ام ایشان در درمان وسواسی سابقه خوبی داشته و این بهترین کتابی است که به افراد وسواسی کمک کرده است. البته فکر می کنم که در قفسه **Self Help** هر کتاب فروشی ای باید ده ها کتاب در این زمینه ها موجود باشد که من شخصا به خیلی هایشان اطمینان ندارم. امروز ها اینگونه کتابها و سمینار ها و کنفرانس ها مد شده و از این طریق خیلی ها ثروت اندوخته ولی درد احدی را هم درمان نکرده اند. ولی تا آنجائیکه خوانده ام ایشان استاد دانشگاه کالیفرنیا- لس آنجلس هستند و با گروهی که با روانشناسی کلاسیک آگو خط کشی دارند همکاری می کنند. کتاب ایشان را می توانید از طریق آمازون به قیمت خیلی مناسبی تهیه کنید.

وب سایت ایمیل

توسط: نرگس  
جمعه 27 دی 1387 ساعت:  
14:16

عرض ادب خدمت جناب آقای موللی.

سپاس از پاسخگویتان.

متاسفانه خیر

باسپاس فراوان

وب سایت [ایمیل](#)

توسط: مجتبی پردل  
یکشنبه 29 دی 1387 ساعت:  
18:24

Dear Dr. Movallali

What relationship do master signifiers bear to desire? I remember in answer to one of my questions you stated that they belong to the imaginary. I would like to know if master signifiers are proper to the imaginary, so what is that which constitutes the symbolic? do only a limited number of people can come to possess desire? Many thanks

وب سایت ایمیل

توسط: علاقه مند  
یکشنبه 29 دی 1387 ساعت:  
21:22

با سلام خدمت جناب آقای دکتر موللی:

جنابعالی در یکی از پاسخهای بالا در مورد اعتیاد به موضوع "پشتکار" اشاره فرموده اید. در چارچوب ادبیات روانکاوی بخصوص عرف لکانی که اصالت به ضمیر نا آگاه داده می شود نحوه تقرب و بررسی "پشتکار" چگونه می تواند باشد. آیا "پشتکار" همان چیزی نیست که "روانشناسی من" تمامی هم و غم خود را بر تقویت آن نهاده است؟ آیا خصیصه پشتکار را در رابطه با من نفسانی بایستی بررسی نمود یا در رابطه با فاعل نفسانی؟ رابطه خودبنیادی و پشتکار چیست؟

با تشکر فراوان

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
یکشنبه 29 دی 1387 ساعت:  
21:54

آقای علاقه مند عزیز

بنا به تجربیات بالینی می توان گفت که آنچه را من در پاسخ به سؤال مربوطه پشتکار خوانده ام به استعداد و قوه ای مربوط می شود که ما آن را در فارسی همت می خوانیم می توان گفت که در تحلیل نهائی این همت و پشتکار به نام پدر که اساس ساحت رمزواشارت را تشکیل می دهد مربوط می گردد.  
بااحترام

وب سایت ایمیل

توسط: کرامت موللی  
یکشنبه 29 دی 1387 ساعت: 22:16

Dear Mr. Pordel

The master signifiers are not stricto sensu proper termes for Lacan. Because if they could exist there would be a metalanguage . As you know there is no such a thing for Lacan as metalanguage.

But during history, human societies procede to believe to some signifiers which will take place for them as master signifiers. these master signifiers act then as what determines the social discours forming social relationships between people: sincerely yours

وب سایت ایمیل

توسط: نرگس  
دوشنبه 7 بهمن 1387 ساعت: 14:32

سلام خدمت جناب آقای موللی

لطفاً مطالب مربوط به لغزش کلامی را بفرمایید.

موفق باشید.

وب سایت [ایمیل](#)

توسط: کرامت موللی  
دوشنبه 7 بهمن 1387 ساعت: 14:32

16:4

خدمت خانم نرگس با یک دنیا پوزش و معذرت .

متأسفانه تنگی وقت فرصتی برای پاسخ بشما نداد. در اسرع وقت به مراجعی که لازم دارید خواهیم پرداخت ولی فعلاً می‌توانید چند مقاله از فریود در این باره در همین سایت در قسمت «مقالاتی از فریود» مطالعه کنید. بعلاوه اگر مقصود شما مطالعه اشتباهات لفظی در زبان فارسی است جای خوشبختی بیشتری خواهد بود چراکه نه تنها کار تحقیقی بدیعی خواهد بود بلکه به رفع کمبود عظیمی که در مورد مطالعاتی اینچنین در زبان فارسی وجود دارد کمک خواهید کرد.

من شخصاً تعبیر «لغزش کلامی» را نمی‌پسندم. این ترجمه که مع الوصف با اصطلاح انگلیسی بسیار نزدیک است نه تنها مثل اکثر قریب به اتفاق کلمات فنی امروز فارسی بر اساس تقلید کورکورانه از زبان انگلیسی تعبیه شده بلکه در زبان فارسی صحیح بنظر نمیرسد زیرا کلمه لغزش در فارسی فقط در مورد «پا» بکار می‌رود. بااحترام

وب سایت ایمیل

پنجشنبه 10 بهمن 1387 ساعت: 22:0

توسط: کرامت موللی

خانم نرگس

این هم چند مرجع برای اعمال نابهنگام بطور اعم و اشتباهات لفظی بطور اخص:

<http://ro.uow.edu.au/cgi/viewcontent.cgi?article=1031&context=creartspapers>

<http://www.pep-web.org/document.php?id=pcs.003.0473a>

<http://www.answers.com/topic/slips-of-the-tongue>

[http://www.apres-coup.org/AC\\_FoundationsFlyer\\_final.pdf](http://www.apres-coup.org/AC_FoundationsFlyer_final.pdf)

<http://www.pep-web.org/document.php?id=paq.052.0034a>

<http://www.psychanalytischeperspectieven.be/online%20papers/papers/5%20Rowan%20acting%20out.pdf>


توسط: علیرضا اعتمادی  
دوشنبه 21 بهمن 1387  
ساعت: 15:33

درود بر شما جناب موللی

استاد در مورد روان انسان و ارتباط آن با اساطیر و کهن الگوها؛ راهنمایی می خواستم. اگر مرجعی و یا سایت انگلیسی زبان مفیدی هم معرفی نمایید سپاسگذار می شوم.

راستی استاد کتاب در دست تألیفان در چه مرحله ای قرار دارد؟

دوباره همان (نشر نی) ناشر کتاب شماست؟

با کمال تشکر و احترامات قلبی 

[نظر

وب سایت ایمیل

خصوصی

]

توسط: هاشم  
شنبه 26 بهمن 1387 ساعت:  
9:13

سلام آقای دکتر،

من به طور اتفاقی با این جلسات بحث آشنا شده ام. اخیراً یکی از افراد آشنایی که از مشکل وسواس و افسردگی رنج می برد با من تماس گرفته است و از من تقاضای کمک کرده است. ولی متأسفانه به دلیل اینکه شهرستان است توانایی رفتن پیش روانشناس به طور مرتب را ندارد. البته زمانی که تهران بود به مدت یکسال تحت درمان قرار گرفته که به نظر خودش خوب بوده. به همین خاطر از من تقاضای مطرح کردن مشکلاتش و گرفتن جواب از طریق نامه را کرده است. من تا کنون جلسه ی روانکاوای نداشته ام ولی مدت چهار سال دروس روانشناسی را خوانده ام و یکسال هم خودم به جلسات تحلیل

رفته ام .

من به او پیشنهاد چت اینترنتی و نوشتن نامه در موعدی خاص در هفته کردم .  
آیا امکان دارد تا مطالبی که میان ما رد و بدل می شود را من در قسمتی از  
وبلاگ شما قرار دهم تا از نظرات شاگردان شما و البته خود شما استفاده  
نماییم؟

وب سایت [ایمیل](#)

یکشنبه 27 بهمن 1387

توسط: کرامت موللی

ساعت: 18:2

آقای هاشم عزیز،

متأسفانه باید بگویم که چت اینترنتی بهیچ وجه نمی تواند جای جلسات  
روانکاو را بگیرد و داشتن تحصیلات دانشگاهی هم مددی به این کار نمی  
کند. از سوی دیگر آوردن مطالب خصوصی افراد در جایی مثل اینجا بنظرم  
چندان با اصل رعایت زندگی شخصی آنها که مبنای روانکاو را تشکیل می  
دهد مطابقت ندارد. لازمه روانکاو چیزی است که ما آن را «انتقال  
قلبی» *transference* «فرد مورد روانکاو نسبت به شخص روانکاو می  
خوانیم. زیرا از طریق این رابطه عمیق با روانکاو است که فرد بطور ناآگاه به  
تکرار ماهوی گذشته خود می پردازد. همین تکرار است که مبنای اصلی در  
جلسات روانکاو واقع خواهد شد. روانکاو چیزی جز درک قلبی و تفصیلی  
این تکرار نیست. بااحترام

وب سایت ایمیل

دوشنبه 28 بهمن 1387 ساعت: 8:31

توسط: هاشم

سلام آقای دکتر

خیلی از جواب شما متشکرم. خوشبختانه من نیز در این مدت توانستم به این  
نتیجه برسم. ولی یک سوالات دیگری برایم مطرح شده. یکی از کسانی که من  
پیرامون تحقیقی که در این باره کردم با او صحبت کردم روانشناس قلبی ای  
بود که فرد مورد نظر از 1.5 سال پیش تا 6 ماه پیش نزد او جلسات منظمی

داشت. گفت درمانش 6 ماه پیش تمام شده چرا که مراجع خودش نزد او نیامده. به من گفت این یک مورد بسیار خاص است و به نتیجه نرسیده. برای خودم بسیار مهم بود که نتیجه ای در بر داشته باشد. چرا که هم آن فرد به پیشنهاد من نزد روانشناس رفته بود و هم اینکه برای خودم مهم است که نتیجه ی چیزی که به آن اعتقاد دارم را ببینم.

در کل کمی دلسرد شده ام. به نظرم روانکاوی یا روانشناسی امر آموختنی ای نیست. آیا انتقال قلبی امری اکتسابی است؟ احساس می کنم میل به روانشناسی می تواند خود نوعی بیماری یا زمینه ی بسیار مستعد بیماری باشد؟ (نمیدانم منظورم را می توانم درست بیان کنم یا نه. شاید نوعی فرافکنی برای نیاز درک شدن یا مورد کمک قرار گرفتن. یا گونه ای حس جاه طلبی. یا حتی نیاز به تظاهر به آرامش داشتن و اطمینان در مقابل شک و عدم ثبات). البته اینها چیزهایی بود که من در خودم دیده ام). درک قلبی ای را که شما می گوید تا حدی می فهمم. ولی آیا این درک در طرفین رخ می دهد؟ و اگر رخ می دهد آیا برای یک روانکاو کم هزینه است؟ و اینکه آیا کسی حاضر می شود این فشار را تحمل کند؟ و اینکه هر کس روانشناسی بخواند آنرا دارا می شود؟ شاید تجربه ولی آیا ناخودآگاه روانکاو در روند روانکاوی مهار شده است؟ من واقعا متاسفم از اینکه ممکن است سطح سوالاتم خیلی پایین باشد. فردی که راجع به بیماری اش گفتم را 8 سال است که می شناسم و ما تا 4 سال پیش لحظات خوبی را با هم داشتیم. بعنوان یک انسان تنها کمکی که از من بر می آمد این بود که به او بگویم برود پیش یک روانشناس دیگر و یک جریان جدید.

از پاسخی که دادید بسیار متشکرم.